

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل چهارم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل چهارم

نقطه عطف

گشایشی که در مشاوره ایجاد می شود را می توان به شکل جوی آبی تشبیه کرد که قبلاً به یک سمت حرکت می کرد، و حال به سمت عکس آن در حال حرکت است. این به عبارتی آنچه من از ابتدای این مرحله صحبت از آن کرده ام را نشان می دهد. قبل از گشایش، مشاوره به سمت شکست دیوار هائی حرکت می کرد که در مقابل حل مسائل جای گرفته بودند. پس از گشایش، حفره هائی در دیوار بوجود آمد، و حال می توان به اهداف اصلی که رشد و حل مسائل می باشند، روی آورد.

مثالی را در نظر بگیرید. سیمین، تازه ایمانداری است که عضو کلیسای شما شده. اما، رابطه ای با مرد جوانی دارد که خود می گوید مسیحی است، ولی به ایمان خود اعتراف نمی کند و عضو کلیسا نمی شود^(۱). او از سیمین خواسته کلیسا را ترک کند چون، ”رابطه ای که داریم را تشویق و تصدیق نمی کنند“. مسئله اینجا است که اگر سیمین به این رابطه ادامه دهد، ممکن است با کسی که اعتراف به عیسی مسیح نکرده ازدواج کند^(۲). حکم خدا واضح است (”البته به این شرط که آن مرد در خداوند باشد“)(اول قرننثیان ۷: ۳۹ت). به همین خاطر است که ازدواج مسیحی با غیر مسیحی را رد می کنید. نهایتاً، پس از آموزش کافی، آنچه سیمین با آن روبرو می باشد این است که از خدا اطاعت می کند یا نمی کند. سیمین نیز پس از چند جلسه تصمیم گرفت که از کلام خدا اطاعت کند؛ هر چه می خواهد پیش بیاورد. از آن پس، جلسات مشاوره تغییر خواهند کرد؛ جریان آب برعکس می شود. حال، هر دو مشاور و متقاضی در یک سمت حرکت می کنند. شما و سیمین خانم، هر دو در یک قایق، در این مسیر حرکت می کنید. به همین دلیل است که من معتقدم، جلسات بعد از گشایش با آرامش بیشتری همراه خواهند بود. این آرامش، در تلاش و کوشش نیست، بلکه آرامشی است که متقاضی در بدست آوردن خواست خدا آیدش می شود (مزیت جانبی/ثانوی). حال که راه برای متقاضی آشکار شده، حذف آن است که چگونه در بهترین وجه آن را انجام رساند. مشاوره از این پس جنبه عملی زندگی مسیحی را خواهد گرفت.

این برداشت تازه، تاثیر زیادی بر مشاور و نحوه مشاوره، و رابطه ای که مشاور با متقاضی دارد خواهد گذاشت. قبل از این نقطه، با وجود آنکه مشاور سعی داشت نقش همراه و همدم را برای متقاضی داشته باشد، متقاضی خود ممکن است برداشت دیگری را داشته بود. او ممکن است مشاور را متخاصم یا حتی دشمن خود می شمرد. اما حال، چشمان روحانی او باز شده و شما را با چشمان روحانی خواهد دید. البته مشاور نمی خواهد نقش متخاصم را عهده دار باشد، با وجود آنکه در مواقعی (قبل از گشایش) لازم بوده چنین نقشی را بعهده بگیرد. اما حال، همه چیز تغییر کرده و همکاری آغاز خواهد شد.

چون قبل از گشایش، مشاور لازم داشته اصرار و ملامت کند، حال که بر نقطه عطف رسیده، باید روش دیگری را بکار برد. حال لازم است خود را در کنار متقاضی پنداشته، او را در راه جدیدی که برایش آشکار شده، آموزش دهد و تشویق کند، به سؤال هایش پاسخ دهد، او را در برنامه ریزی یاری کند، و زمانی که شکست می خورد، او را بر پا گردانند. حال دیگر نیاز به هشدارهای تند نیست، بلکه شور و ذوق پیشرفت هائی که در راه است، جای آنها را باید بگیرد. این فرق رفتار شما باید برای متقاضی محسوس باشد^(۳). او باید خود را وارد زندگی تازه ببیند. مشاور،

اولین (و شاید تنها) کسی است که او را در راه جدید می بیند، و باید آن را نشان دهد. گشایشی برای او ایجاد شده و باید شکر و شادی نمود. ممکن است متقاضی این برداشت را خود نداشته باشد، که در این صورت باید برایش روشن کنید این گشایش چه مفهومی در زندگی او خواهد داشت (تغییراتی که خدا از طریق کلامش و توسط روح القدس انجام می رساند) و برکاتی که خدا در کلامش برایش نام برده چیست. نتیجتاً، گشایش جزء تغییراتی است که خدا انجام می رساند. متقاضی از برکات آن بهره خواهد برد (با وجود آنکه راهی که در پیش است، پیچ و خم های خود را خواهد داشت). خواست خدا جز سلامتی، چیز دیگری برای انسان نیست. اما آنچه باید بخاطر داشت، این است که در مراحل اولیه زندگی با خدا، متقاضیان نیاز دارند تا حدی بر ایمان مشاور تکیه کنند تا ایمان خودشان شکوفا گردد. این ایمانی است که نیاز به نشان دادن دارد. باید متقاضی ایمان به کار خدا را ابتدا در شما ببیند. پس بخاطر گشایش ایجاد شده شادی کنید، و صحبت از سلامتی که به بار می آورد بکنید. این حرکاتی است که خدا از آن استفاده فراوانی می کند. توجه نیز بکنید، که آنچه با نیت بد به متقاضی تحمیل شده بود را خدا تبدیل به منظور نیک نمود (پیدایش ۵۰: ۲۰؛ رومیان ۸: ۲۸).

اما، با وجود نیاز به شادی و شکر گذاری، تمرکز بر آنچه خدا در پیش متقاضی گذاشته نیز لازم است. به عبارت دیگر، کار خدا تنها آغاز شده، و هنوز تمام نشده. درست است که جهش عظیمی صورت گرفته، اما رفتار تازه باید مکمل برداشت تازه نیز باشد تا بگونه ای که خدا گفته، شامل هر دو افکار و رفتار او بگردد. شما باید او را در این راه تنگ و باریک نیز همراهی کنید. امکان دارد در آینده مجبور بشوید دوباره بر فرمان های کلام پافشاری کنید (البته حال متقاضی با سادگی بیشتری به حقانیت کلام پی خواهد برد). ممکن است دیوار های تازه ای نیز (البته نه با زخامت و استحکام قدیم) پدید آیند که به انگیزه و کوشش های تازه نیاز خواهند داشت. اما ابتدا متقاضی باید آنچه بدست آمده را شناسائی کرده باشد، تا بتواند بر آن بسازد. اگر آن را بدست نی آورده، باید به او کمک کرد فرقی که ایجاد شده را شناسائی کند، هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ روحانی. این شناخت، روحیه شادی که خدا صحبت از آن کرده را ایجاد می کند و باعث شکر گذاری می گردد. تمام این عوامل جزء برکاتی است که از خدا سرچشمه می گیرد. و خصوصیات آن چنین است که هر برکتی، برکات دیگری را بوجود می آورد، و تمامی ندارد (اگر تا بحال متوجه برکات شده اید، یقیناً می دانید که برکات دیگری را دنبال داشته است).

آنگونه که قبلاً گناه باعث ایجاد گردابی نزولی در زندگی متقاضی شده بود، و شکست هایش در طول زندگی یکی پس از دیگری ادامه می یافت، حال بر عکس، چون در مسیری کاملاً مخالف آن به حرکت آمده، پیروزی او باعث پیروزی های دیگری خواهد شد. راجع به چنین موضوع ها صحبت کنید و روی آن سرمایه گذاری کنید. به "صورت جلسه مشاوره مسیحی" (۴) رجوع کنید و موضوع هایی را که به سادگی می توان حل کرد را پی گیری کنید. به این شکل پیروزی ها را انباشته خواهید کرد. حال که روحیه عوض شده، باید بی امان پیشروی را ادامه داد. روحیه جدید است که انگیزه لازم برای پیشروی را بوجود می آورد (به یاد داشته باشید که متقاضی است که خود باید بخواهد در راه باشد و در آن بماند). نگذارید آن آتش و شوگی که ایجاد شده فروکش کند. حال که به عبارتی جانب سرپائین کوه را می پیماید، راه برایش آسانتر خواهد شد؛ از آن بهره بگیرید. اگر مشاوره از این پس به کندی پیش می رود، احتمالاً اشکال از شما است. حال موقع آن نیست که دست از کار و کوشش بر دارید. اتفاقاً موقعیت مساعد کار و کوشش بیشتری شده است.

در کتاب اول تسالونیکیان، پولس کلیسا را برای رشد و محبتی که نشان داده تحسین کرد. هیچ محکومیتی که در کتاب های دیگر دیده می شود در آن نیست. نه تنها محکومیتی نیست، بلکه ابراز تعجب کرده که پیغام خدا را نه تنها تا این اندازه برداشت کرده اند، بلکه از آن استفاده نیکویی نیز

کرده اند:

اول تسالونیکیان ۱

- ۵: چرا که انجیل ما تنها نه با کلمات، بلکه با قدرت و روح القدس و یقین کامل به شما رسید، چنانکه نیک می‌دانید به خاطر شما چگونه در میانتان رفتار کردیم.
- ۶: شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید و در رنج بسیار، کلام را با آن شادی که روح القدس می‌بخشد، استقبال کردید.
- ۷: بدین گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید،
- ۸: زیرا کلام خداوند به واسطه شما نه تنها در مقدونیه و آخائیه طنین افکند، بلکه ایمان شما به خدا در همه جا بر سر زبانهاست، آن گونه که دیگر نیازی نیست ما چیزی بگوییم.
- ۹: زیرا آنان خود از استقبال گرم شما از ما سخن می‌گویند، و از اینکه چگونه از بتها دست کشیده، به سوی خدا بازگشتید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید
- ۱۰: و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید، که از مردگان برخیزانیدش، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌بخشد.

محبتشان عمیقاً مؤثر واقع شده بود، چون خدا بود که ایشان را می‌آموخت:

اول تسالونیکیان ۴

- ۹: درباره محبت برادرانه نیازی نیست چیزی به شما بنویسیم، زیرا خود از خدا آموخته اید که یکدیگر را محبت کنید،

در نتیجه، چه چیز دیگری را می‌تواند به عنوان سرپرست به ایشان بگوید؟ می‌گوید محبت بیشتری را از خود نشان دهید:

اول تسالونیکیان ۳

- ۱۲: و همان گونه که محبت ما به شما فزونی می‌یابد، خداوند محبت شما را به یکدیگر و به همه مردم بسیار افزون گرداند.

هنگامی که چرخ به حرکت افتاد، شتاب را ادامه دهید. از کل این کتاب چنین پیغامی را دریافت می‌کنیم: ”خوب پیش می‌روید؛ پیشرفت را ادامه دهید، هم بیشتر، هم بهتر.“ این روحیه ای است که شما باید داشته باشید. مرداب از آبی ترکیب یافته که جریان ندارد. مشاور جشن می‌گیرد و شادی می‌کند، اما متقاضی را تشویق به برداشت های بیشتر نیز می‌کند. من بر این موضوع تاکید می‌کنم چون، وقتی شور و شوغ گشایش فروکش کرد، و متقاضی دید که آنچه در ابتدا خواست او بود را بدست آورده، ممکن است آرام گشته و آهسته قدم بردارد، یا حتی بخواهد بکلی به مشاوره خاتمه دهد. البته شکی نیست که گشایش، خود تحرک و شتاب را (سوی خدا) دارد، اما، تا زمانی که قدرت لازم را نیز داشته باشد. اگر قدرت (عشق اولیه) لازمی که ایجاد تحرک و شتاب می‌کند را از دست بدهد، چگونه می‌توان انتظار پیشرفت را از او داشت. نگذارید شمع روشن شده خاموش گردد.

البته در خصوص مثالی که در دست هست، ”اعمال“ لازم در مسیر گشایشی که ایجاد شده (تغییر ایجاد شده تنها در افکار بوده) هنوز انجام نگرفته، و خواست خدا کامل نشده. حال باید ”رفتار“

های جدیدی (الگو های رفتار) که مطابق با کلام خدا هستند، جایگزین آنچه خدا برای او گناه محسوب کرده، بشوند. این الگو ها یک روزه بوجود نمی آیند. میوه را وقت کافی لازم است تا بار آورده شود. شما خواهید دید که معمولاً هر رفتار (یا کار) تازه، نیاز به انجام روزانه و منظم خود را دارد. حد عقل زمانی که رفتار جدید نیاز دارد تا ”طبیعی“ گردد شش هفته می باشد. به عبارت دیگر، برنامه زمان بندی شده (شامل تکالیف مربوطه) به مدت شش هفته را باید برای متقاضی طرح کنید و به مرحله اجرا بگذارید. پس از جشن و سپاسی که بخاطر گشایش ایجاد شده بر پا گشت، ممکن است فکر کند کار تمام شده و می تواند به زندگی قبلی خود ادامه دهد. در صورتی که اینطور نیست، و شما نباید بگذارید دستخوش تمایلات نفسانی شده روح را خاموش کند. باید بداند که در نقطه عطف جای گرفته، و با وجود آنکه راه سرپائین خواهد بود، راهی است که باید طی شود تا به مقصد (خواست خدا) برسد. نباید فکر کند گشایش ”میوه“ روح القدس است. میوه روح القدس (شبهات به عیسی مسیح) هم جسمانی است و هم روحانی. رفتار های جدید نیز جزء دیگر میوه روح القدسند.

نتیجتاً شما به عنوان مشاور مسیحی باید توجه کرده باشید، که گشایش ها، متقاضی را به سوی راستی (خدا) هدایت می کنند، و نقاط عطف نیز شگفت انگیزند و لایق جشن و سرور نیز می باشند. اما، از خواست خدا تنها مسیر مشخص شده، و ”انجام“ خواست خدا صورت نگرفته. هنوز جوانب عملی کلام تجربه نشده و هنوز کار بسیار در پیش است تا تجربه ها نیز نفوذ خود را بگذارند و میوه روح القدس به دست بیاید.

فهرست زیر نویس های فصل چهارم

- (۱) و به خاطر آن، خود را ”اجنبی و خراجگیر“ (خارج از کلیسا) شمرده است (متی ۱۸: ۱۷).
- (۲) وقتی دوست پسرش به سیمین می گوید که مسیحی است، اما از عضویت در کلیسا امتناع می ورزد، چاره ای ندارید جز آنکه رابطه را رد کنید. البته در خلال این مدت سعی خواهید کرد او را به جانب عیسی روی آورید. اما، تا زمانی که از کلیسا خارج است، باید او را بی ایمان حساب آورید (صرف نظر از آنکه خود چه می گوید).
- (۳) من در بعضی از مواقع وقتی شاهد گشایش بوده ام، از جایم پریده و فریاد شادی را بزبان آورده ام! آن چنان بوده که احالی ساختمان از دفاتر دیگر مراجعه کرده و جویای حال من شده اند. اگر شیرینی در دفتر موجود بوده با همه سهیم شده ام، و از همه خواسته ام در دعای شکرگذاری مرا همراهی کنند. البته کاری نیست که لازم باشد برایش برنامه قبلی فراهم ساخت. با این وجود، من تمام این کار ها را کرده ام. خوشی و شادی از کار خدا را نباید فروکش کرد. اگر ابزار شادی و ستایش از خدا در دسترس نیست، می توان آن را فراهم ساخت. شیرینی را می توان خرید، مهمانان را می توان صدا کرد، و مهمانی را (هر چند مختصر که باشد) می توان راه انداخت.
- (۴) برای صحبت بیشتری راجع به ”صورت جلسه مشاوره مسیحی“ به فصل سوم از مرحله اول این کتاب رجوع نمائید.